

"هدفمند سازی یارانه ها"

یا

"اعدام های

هدفمند"؟!

انتخاب ما "مبارزه هدفمند"!



هر شب ستاره ای به زمین می کشند و

باز این آسمان غم زده غرق

ستاره هاست

موج جدید اعدام از سوی جمهوری اسلامی از سر گرفته شده است. در شرایطی که در صفحات نشریات و مدیای دنیا کمتر خبری از اجرای حکم اعدام حبیب لطیفی بود، رژیم جمهوری اسلامی بازی خود را ادامه داد. در شرایطی که فعالین سیاسی در صفحات اینترنتی و خیابان های برفی و یخ زده اروپا و آمریکا و ... و ایران در تدارک کمپین های اعتراضی برای لغو حکم اعدام لطیفی بودند، رژیم دو زندانی سیاسی دیگر را اعدام کرد. علی صارمی و علی اکبر سیادت اعدام شدند تا رژیم بتواند بازی سرکوب و ارباب جامعه را ادامه دهد.

آری! سیستمی که در عرصه ی داخلی چند پاره و در عرصه ی جهانی منزوی تر از گذشته است، چراغ سبز و سکوت دولت های جهان را به فال نیک دهه ی 60 گرفت و باز چوبه های دار را علم کرد. در شرایطی که با اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها در کل کشور فضایی نظامی برقرار است، رژیم نیاز به کنترل خشم مردم دارد. در اولین اقدام ها رژیم ده ها شهروند بی گناه بلوچ را به جرم همکاری با جندالله در زندان های بلوچستان اعدام کرد. نیروهای امنیتی خود در شهرها و مراکز آموزشی را افزایش داده و زندانیان سیاسی را در هر خطه از این سرزمین وسیله ی ارباب عمومی قرار داده است. رژیم جمهوری اسلامی که با سه نسل از جوانان این کشور با جوخه های تیرباران و چوبه های اعدام گفتگو کرده است، امروز در برابر خشم مردم تمام نیروهای خود را برای تمرکز قوا بکار گرفته است. در کارخانه ها، دانشگاه ها، مدارس و سایر مراکز و ... دولتی و غیردولتی انواع سیستم های امنیتی را برای کنترل موج خفته خشم مردم بکار گرفته است.

در چنین اوضاعی که تلاش برای یکدست شدن حاکمیت روز به روز دشوارتر می گردد، اما فرآیندهای جهانی ریشه های مشترک دو جناح هیأت حاکمه را برملا می کند. در نگاه کلی هم جناح حاکم و هم رهبران سبز بر هدفمند کردن یارانه ها و ضرورت اجرایی شدن آن تأکید می کنند؛ و برای شان تفاوت فقط در شیوه اجرایی شدن این طرح است و بس!!! یعنی در به بند کشیدن و له کردن تحتانی ترین اقشار این کشور تفاوت فقط در شیوه استثمار است و نه در اینکه استثمار باشد یا نه.

رژیمی که در دو سال اخیر با چالش "چگونه جمهوری اسلامی را حفظ کنیم؟" دو جناح هم پیمانش در مقابل یکدیگر صف آرایی کردند، امروز نیز مستأصل شده و رو در روی موج سرکش "تغییر" قرار گرفته است و نه راه پس می بیند و نه راه پیش! آنچه مانده ادامه ی همین بازی است و باز هم می خواهد با تکرار بازی دهه ی 60 سدی در برابر این انرژی خاتمان برانداز ببندد. اما آن چه تا به امروز تمام معادلات را به هم ریخته مقاومت و مبارزه ی مردم و به خصوص جوانان بوده است، اوج شکست این توهم برای هر دو جناح رژیم مبارزات درخشان و دلاورانه مردم در خیزش سال گذشته بود و به میدان آمدن نسلی از مبارزین که قرار بود سربازان لشکر بیست میلیونی شان باشند. آنان که با تخریب مزار جانبختگان دهه ی 60 به خیال خودشان خاطره مقاومت را هم از صفحه ی ذهن مردم و جوانان زدوده بودند نمی دانند که با میلیون ها نداء، سهراب، امیر و احسان و حبیب ... چه کنند؟! با سروهای ایستاده ی گرد، ترک، بلوچ، لر و ... فارس چه کنند؟! با شیرین، ترانه، مهدیه و ... هزاران زن و دختر باغی و عاصی چه کنند؟! اگر رفیق معلم فرزند کمانگر را بر دار کردند با هزاران کلام آتشین مقاومت و طغیان چه کنند؟! و اگر احسان و علی و فرهاد و ... شهلا را برای ارباب بر دار کردند با هراس لحظه به لحظه ی مرعوب و مغلوب شدن شان چه کنند؟! امروز اعدام علی صارمی و علی اکبر سیادت به همراه خطر اعدام قریب الوقوع حبیب لطیفی و بسیاری از زندانیان سیاسی دربند هشدار به مردم و جوانان است. این رژیم برای تمام اعدام های هدفمند خود برنامه ی از پیش تعیین شده دارد. این ها بخش هایی از طرح "کنترل بحران" است که مدام سران نظامی و غیرنظامی رژیم آن را تکرار می کنند. برای ارباب هر قشر، ملیت و جنسیت و ... برنامه ای ویژه طراحی کرده اند تا هر تبلوری از مقاومت، مبارزه و آگاهی سیاسی و مبارزاتی در نطفه خاموش شود. امروز در کنار سایر گزینه های سرکوب این رژیم گزینه ی اعدام را در دستور کار قرار داده است.

امروز که رسانه های بین المللی آگاهانه چشم بر روی موج سرکوب و کشتار در ایران و کشورهای مشابه می بندند و فقط بر حسب ضرورت های جهانی یعنی منطق سود بازار اخبار را داغ می کنند، امروز که دول اروپایی، آمریکا، روسیه و چین و ... اختلافات، منافع و تهدیدات شان را در نحوه ی تعامل با ایران ترجمه می کنند، امروز که سینه چاکان حقوق بشر مهر سکوت بر لب هایشان زده اند و در سکوت درندگی را نظاره می کنند، امروز که در پشت درهای بسته ی اتاق های ملاقات های دیپلماتیک و سالن های چند هزار نفره ی کنفرانس حق مردم ایران برای تغییر رژیم حاکم بر آن ها را به چوب حراج گذاشته اند و امروز که قامت رشید مبارزان مان بر چوبه های دار رقص آزادگی را به جلوه آورده است سکوت جایز نیست.

ما این ظلم را بر نمی تابیم. ما سکوت را بر نمی تابیم. ما از دست رفتن حقوق مردم ایران را بر نمی تابیم. ما ریختن خون بهترین فرزندان این خاک را بر نمی تابیم. ما زندان و شکنجه ی مبارزین راستین را بر نمی تابیم. ما بازی بر سر سرنوشت مردم ایران را بر نمی تابیم. ما چانه زنی برای منافع حاکمان و خیانت به منافع زحمت کشان و فرودستان را هرگز بر نمی تابیم ... امروز ما اعلام می کنیم که در مقابل تمام تهدیدات و تمهیدات شما ما نیز یک "مبارزه ی هدفمند" را آغاز کرده ایم تا با یک مقاومت آگاهانه، گسترده، هماهنگ، سازمان یافته، مستمر، افشاگرانه و جسورانه در مقابل شما دیوارهای ترک خورده حکومتان را به زیر آوریم. ما خوب می دانیم که هر کدام از جنایات جمهوری اسلامی ترکی است بر دیوارهای حکومت رو به فناپش! علی و علی ها هم ترکی هستند، بر این دیوار! به زودی دیوارها را فرو خواهیم ریخت! و یاد همه آزادیخواهان را جاودانه بر دیوارهای نوین خواهیم نوشت روزی که دیگر دیوارها آزادی را به بند نمی کشند.

"سرنگون باد جمهوری اسلامی!" - "نابود باد زندان های جمهوری اسلامی!"

کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران - بلژیک

کمیته جوانان - بلژیک

comitemobarezat@gmail.com